



Explain Iran's defense injuries in World War II and provide non-repetition strategies

Eskandari Dariuosh^{1✉}|Tohidi Arastoo²|Baratian Mahmood³

¹PhD in Strategic Defense Sciences, Tehran, Iran. E-mail: D.Eskandari98@sndu.ac.ir

² Assistant professor and faculty member of Higher National Defense University, Tehran, Iran. E-mail: arastoo_towhidi@yahoo.com

³ Doctoral student of National Defense University and Higher Research Institute, Tehran, Iran. E-mail: Mahmoud.baratian@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

01 July 2023

Received in revised form 01 September 2023

Accepted

21 September 2023

Published online

11 Desember 2023

Keywords:

Defense pathology, strategy, World War II, Islamic Republic of Iran

ABSTRACT

Purpose: This research was done with the aim of knowing Iran's defense damage during World War II and providing strategies to prevent their repetition in the future.

Method: This applied-developmental research was done by using the analysis of historical documents and using the method of developing the strategy of the National Defense University and relying on the opinions of defense experts.

Findings: The damage and losses of the Second World War to our country were very dangerous and its consequences have plagued the people of this region for many years. Therefore, their recognition and preventive foresight can prevent the country from repeating the aforementioned conditions.

Conclusion: The results of the research show that the major damage to Iran in the Second World War includes 1) the lack of decisiveness in decision-making and the hesitancy of the country's first person, the absence of a minister in the Ministry of Defense, and the confusion and weakness of management in the army and diplomacy Defense and politics of the country, 2) weakness and commitment against the two superpowers of the time, 3) surprise and lack of strategy against the invasion of the allies, 4) lack of spontaneous resistance of the people due to the repression of the nomads and the distance of the people from the government and the diminution of its role. in the defense of the country resulting from the policy of desegregation and dictatorship of the government and the spread of alienation and the atmosphere of terror and despair in the society, 5) the lack of readiness of the army to confront the foreign enemy due to the weakness in training and professionalism, lack of organizational integrity and cohesion, weakness in loyalty, motivation and morale of employees, 6) The absence of political elites at the head of the political system

Cite this article: Eskandari, D., Towhidi, A., & Baratian, M. (2023). Explain Iran's defense injuries in World War II and provide non-repetition strategies. *Military Science and Tactics*, 19(65), 125-140. doi: 10.22034/qjmst.2024.549841.1674



© The Author(s)

Publisher: AJA Command and Staff University

DOI: 10.22034/qjmst.2024.549841.1674



تبیین آسیب‌های دفاعی ایران در جنگ جهانی دوم و ارائه راهبردهای عدم تکرار

داریوش اسکندری^۱ | ارسطو توحیدی^۲ | محمود براتیان^۳

دکتری علوم دفاعی راهبردی، تهران، ایران. رایانامه: D.Eskandari98@sndu.ac.ir

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. رایانامه: arastoo_towhidi@yahoo.com

دانشجوی دکتری دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. رایانامه: Mahmoud.baratian@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

هدف: این تحقیق با هدف شناخت آسیب‌های دفاعی ایران در خلال جنگ جهانی دوم و ارائه راهبردهای عدم تکرار آن‌ها در آینده، انجام شده است.

روش: این تحقیق کاربردی - توسعه‌ای با بهره‌گیری از تحلیل محتوای اسناد تاریخی و با استفاده از روش تدوین راهبرد دانشگاه عالی دفاع ملی و با تکیه بر نظرات خبرگی دفاعی انجام شده است.

یافته‌ها: آسیب‌ها و خسارات جنگ جهانی دوم به کشور ما بسیار گسترده بوده و تبعات آن تا سال‌ها گریبانگیر مردم این مرز و بوم بوده است. بنابراین شناخت آن‌ها و آینده نگری پیشگیرانه می‌تواند کشور را از تکرار شرایط پیش گفته مصون نماید.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عمده آسیب‌های کشور ایران در جنگ جهانی دوم شامل (۱) عدم وجود قاطعیت در تصمیم‌گیری و مردد بودن شخص اول مملکت، نبود وزیر در وزارت دفاع و آشفستگی و ضعف مدیریت در ارتش و دیپلماسی دفاعی - سیاسی کشور، (۲) ضعف و وادادگی در برابر دو ابرقدرت وقت، (۳) غافل‌گیری و نبود راهبرد در برابر هجوم متفقین، (۴) عدم مقاومت خودجوش مردمی به‌دلیل سرکوب عشایر و دوری مردم از حکومت و کم‌رنگی نقش آن‌ها در دفاع از کشور منتج از سیاست مذهب زدائی و دیکتاتوری حکومت و گسترش خود بیگانگی و فضای رعب و وحشت و ناامیدی در جامعه، (۵) عدم آمادگی ارتش برای مقابله با دشمن خارجی به‌دلیل ضعف در آموزش و حرفه‌ای بودن، عدم یکپارچگی و انسجام سازمانی، ضعف در وفاداری، انگیزش و روحیه کارکنان، (۶) عدم وجود نخبگان سیاسی در رأس نظام سیاسی و دولت به‌دلیل انتصابات غلط با گرایش‌های خاص بوده و راهبردهای پیشنهادی این تحقیق می‌تواند در آینده، کشور را از تکرار آن‌ها مصون نماید.

نوع مقاله:

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۳۰

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۹/۲۰

کلیدواژه‌ها:

آسیب‌شناسی دفاعی،
راهبرد، جنگ جهانی
دوم، جمهوری اسلامی
ایران

استناد: اسکندری، داریوش و توحیدی، ارسطو و براتیان، محمود. (۱۴۰۲). تبیین آسیب‌های دفاعی ایران در جنگ جهانی دوم و ارائه راهبردهای عدم تکرار. علوم و فنون نظامی، ۱۹(۶۵): ۲۲۸-۲۰۱.

ناشر: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

© نویسندگان.



DOI: 10.22034/qjmsst.2024.549841.1674

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که دارد، به‌عنوان پلی آسیا را به اروپا و شبه‌قاره هندوستان متصل نموده و از این رو در طول دو قرن اخیر بارها مورد هجوم قدرت‌های استعماری قرار گرفته است. اهمیت سوق‌الجیشی و نقش حیاتی ایران در جنگ جهانی دوم یکی از نکات قابل توجه بوده و به دو بخش متمایز ولی درعین حال مرتبط با یکدیگر تقسیم می‌شود. از یک طرف این سرزمین دروازه‌ای بود به هندوستان و از طرف دیگر خط ارتباطی و حیاتی کمک‌رسانی متفقین به جبهه شوروی محسوب می‌شد. شوروی و انگلیس حدود یک قرن را صرف رقابتی سرسختانه جهت تسلط بر ایران و خلیج فارس و هندوستان نمودند (میشل، ۱۳۷۰: ۲۹). این موقعیت آن قدر دارای اهمیت بود که در جنگ جهانی دوم از ایران به‌عنوان پل پیروزی یاد شده است. لرد کروزن وزیر خارجه انگلستان در سال ۱۹۱۹م نیز ایران و آسیای میانه و افغانستان را «مهره‌ی شطرنجی» توصیف کرد که در «بازی تسلط بر جهان» به کار گرفته شده‌اند (راعی، ۱۳۹۱). بنابراین موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران همیشه مورد توجه و هجوم استعمارگران شرق و غرب بوده و هست. داشتن سیاست و توان دفاعی مناسب جهت مقابله با دست‌اندازی‌های شرق و غرب به کشور از واجبات است تا کشور شاهد تکرار فجایع رخ داده در خلال جنگ‌های جهانی پیشین نباشد. در همین راستا شناخت آسیب‌های دفاعی و نظامی ایران در زمان جنگ جهانی دوم و آینده‌نگری می‌تواند راهگشا باشد. سازمان‌ها برای بهبود عملکرد خود باید تصویری روشن از شرایط محیط داخلی و خارجی خود داشته باشند تا بتوانند تصمیماتی اثربخش اتخاذ نمایند (سرمد و همکاران، ۱۳۷۷: ۶۷). از طرفی آسیب‌شناسی سازمانی اغلب به‌عنوان حساس‌ترین جزء استقرار یک طرح بهبود سازمانی تلقی می‌شود و اگر آسیب‌ها درست و به‌موقع شناخته نشوند و نسخه‌های درمانی مرتبطی برای آن‌ها پیچیده نشود، سازمان را به سمت زوال زودرس خواهند کشید و سیر قهقرایی را بر سازمان تحمیل خواهند نمود (توکلی‌دارستانی و همکاران، ۱۳۸۸)، از این رو، یکی از مهم‌ترین اقداماتی که سازمان‌های موفق برای ارتقای اثربخشی خود انجام می‌دهند، آسیب‌شناسی صحیح و به‌موقع است. آسیب‌شناسی صحیح و به‌موقع، این امکان را به مدیران می‌دهد که همواره از مسائل و مشکلات جاری سازمان خود مطلع باشند و از حد شدن آن جلوگیری نمایند (جنیدی جعفری و همکاران، ۱۳۸۸). نیروهای مسلح و بخش دفاعی ایران نیز از این امر مستثنا نبوده و به‌عنوان رکن اصلی قدرت نظامی و مؤلفه مهم در تأمین امنیت و منافع ملی به دلیل حساسیت‌ها و ویژگی‌های خود در ابعاد مختلف، در جنگ جهانی دوم با آسیب‌ها و تهدیداتی مواجه بوده است که به دلیل عدم شناسایی

و درمان این آسیب‌ها، باوجود صرف هزینه‌های هنگفت، کشور در دوران جنگ پیش گفته در بهره‌مندی از مهم‌ترین مؤلفه قدرت ملی، یعنی قدرت نظامی با مشکل مواجه بوده است. برای اینکه ساختار نیروهای مسلح کشور در آینده از هرگونه ضعف و آسیب‌پذیری به دور باشد و بتواند با قدرت، سرعت و حجم لازم واکنش نشان داده و بیشترین امکان موفقیت و رسیدن به هدف را به دست آورد و از حداکثر اصول وفاداری به آرمان‌های ملی کشور خود برخوردار باشد، ضروری است دائماً ضعف‌ها و آسیب‌های گذشته که در این سامانه بروز کرده را مورد مطالعه قرار داده، آن‌ها را شناسایی و از بروزشان در حال و آینده ممانعت به عمل آورد. بنابراین مسئله‌ای که پژوهشگران را به انجام این تحقیق واداشت عدم تکرار آسیب‌های دفاعی است که در فرآیند جنگ جهانی دوم به کشور وارد شده است. از این رو اهداف این تحقیق، ابتدا شناخت آسیب‌های دفاعی ایران در خلال جنگ جهانی دوم و سپس ارائه راهبردهای عدم تکرار آن‌ها در آینده در نظر گرفته شده و محققین پس از آسیب‌شناسی دفاعی ایران در جنگ جهانی دوم با استفاده از یکی از مدل‌های آسیب‌شناسی موجود، با بهره‌گیری از فرایند علمی تدوین راهبرد، راهبردهای عدم تکرار این آسیب‌ها را ارائه نموده‌اند.

در بیان اهمیت تحقیق می‌توان اشاره داشت که با شناسایی آسیب‌های دفاعی و نظامی ایران در خلال جنگ جهانی دوم اثربخشی سیاست‌ها و فعالیت‌های کارآمد و صحیح نظامی را بر امنیت ملی نشان داده و بیانگر این خواهد بود که سرمایه‌گذاری در این خصوص باعث افزایش ضریب توانمندی سیاست‌های دفاعی شده و اقتدار کشور را در راستای بهره‌مندی از نیروهای مسلح قوی، کارآمد و قابل‌اتکا افزایش خواهد داد. اگر از آسیب‌های دفاعی موجود در کشور در زمان جنگ جهانی دوم غافل بمانیم و راهبردهایی جهت عدم تکرار آن نداشته باشیم چه بسا در جنگ‌های احتمالی آینده نیز دچار خسارات مشابهی شویم که این مطلب بر ضرورت تحقیق دلالت دارد.

بر همین اساس هدف از این تحقیق، «شناخت آسیب‌های دفاعی ایران در خلال جنگ جهانی دوم و ارائه راهبردهای عدم تکرار آنها در آینده است». سؤال اصلی تحقیق نیز این است که: «آسیب‌های دفاعی ایران در جنگ جهانی دوم و راهبردهای عدم تکرار آن‌ها در آینده کدام-

اند»؟

مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

مبانی نظری

آسیب‌شناسی ملی: آسیب در سطح ملی هر اقدام یا ابزاری است که موجب کاهش توانایی‌ها و اراده ملی گردد. یا نقاط ضعفی شدیدی هستند که در برابر عوامل خارجی و تهدیدات، مانع اجرای موفقیت‌آمیز فعالیت‌ها و رسیدن به اهداف شده و باعث خسارت، ضایعات و شکست می‌شوند. آسیب‌پذیری از تأثیرات ناشی از تأثیرگذاری عوامل طبیعی، انسانی و ساختاری که به صورت کاهش اقتدار و امنیت و بروز خسارت مادی و معنوی تجلی می‌کند. آسیب‌پذیری همچنین به حساسیت یک کشور، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ در برابر هرگونه اقدام و وسیله‌ای که از آن طریق، ظرفیت و توانایی جنگی‌اش تقلیل یا اراده‌اش در جنگیدن کاهش یابد گفته می‌شود (دانش‌آشتیانی، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۳).

جنگ جهانی دوم: دومین جنگ فراگیر جهان که از سپتامبر ۱۹۳۹ م. (شهریور ۱۳۱۸ ه. ش) شروع و تا اوت ۱۹۴۵ م. (شهریور ۱۹۴۵ ه. ش) ادامه یافت. این جنگ علاوه بر اروپا، در بخش‌های گسترده‌ای از قاره آسیا و آفریقا تأثیرات مخرب عمده‌ای بر جای گذاشت و کشورهای اسلامی، از جمله ایران را درگیر خود ساخت (افضلی، ۱۳۸۶).

راهبرد: راهبرد هنر ایجاد سازگاری، تعامل و هم‌افزایی بین عوامل و منابع مختلف درونی و بیرونی با حفظ ویژگی دورنگری، آینده‌نگری و انعطاف‌پذیری در راستای آرمان‌ها و منافع حیاتی است (مینتزبرگ، ۱۳۶۷: ۴۵).

نگرش‌ها و الگوهای آسیب‌شناسی

در علوم مدیریتی آسیب‌شناسی بر پایه اطلاعات جهت تجزیه و تحلیل و شناخت دقیق‌تر این ساختار، تعاملات، رویه‌ها، روش‌ها و سبک‌های مدیریتی و سایر عناصر سیستم چاره‌جو، امری لازم و ضروری است. به عبارتی آسیب‌شناسی در تشخیص مسئله و کانون علت آن، جهت تعیین اقدامات لازم به منظور بهسازی عملکرد سازمان، امری است پایه‌ای و اساسی، آسیب‌شناسی نیازمند نگرش سیستماتیک و منظم به کل فرآیند است و هدف از آن تشخیص ماهیت و نوع مسئله‌ای است که بروز نموده و نیاز به حل دارد (ممی‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۲۹). آسیب‌شناسی سازمانی، فرآیند استفاده از مفاهیم و روش‌های علوم رفتاری، به منظور تعریف و توصیف وضع موجود سازمان‌ها و یافتن راه‌هایی برای افزایش اثربخشی آن‌ها می‌باشد (Harrison, 2005: 121). آسیب‌شناسی سازمانی اغلب به عنوان حساس‌ترین جزء استقرار یک طرح بهبود سازمان تلقی

می‌گردد. بهبود سازمان با مرحله آسیب‌شناسی آغاز می‌شود، آسیب‌هایی که اگر درست و به‌موقع شناخته نشوند و نسخه‌های درمانی مرتبطی برای آن‌ها پیچیده نشود، سازمان را به سمت فناى زودرس خواهد کشید و سیر قهقرایی را بر سازمان تحمیل خواهد نمود (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۰). از این‌رو، یکی از مهم‌ترین اقداماتی که سازمان‌های موفق برای ارتقای اثربخشی خود انجام می‌دهند، آسیب‌شناسی صحیح و به‌موقع است. آسیب‌شناسی صحیح و به‌موقع، این امکان را به مدیران می‌دهد که همواره از مسائل و مشکلات جاری سازمان خود مطلع باشند و از حاد شدن آن جلوگیری نمایند (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۰). به‌منظور آسیب‌شناسی سازمان‌ها الگوهای مختلفی ارائه شده است، در این الگوها، آسیب‌شناسی سازمانی از زوایای مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. مهم‌ترین الگوهای سازمانی عبارت‌اند از: مدل آسیب‌شناسی وایزبورده^۱، مدل توسعه منابع انسانی^۲، مدل آسیب‌شناسی هاریسون^۳ و مدل تحلیل سه‌شاخگی (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۰). عصاریان‌نژاد و صنیعی در مقاله مشترکشان آسیب‌ها را به پنج شاخه شامل (ساختاری، کارکردی، رفتاری، شناختی و فراساختاری) دسته‌بندی کرده‌اند (عصاریان‌نژاد و صنیعی، ۱۳۸۶) با توجه به دسته‌بندی اخیر که از جامعیت بیشتری برخوردار است در زیر به شرح هر کدام پرداخته شده است.

۱- آسیب‌های ساختاری

منظور از شاخه ساختار، همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی سازمان می‌باشند که بانظم، قاعده و ترتیب خاصی به‌هم‌پیوسته و چهارچوب، قالب، پوسته، و یا بدنه فیزیکی و مادی سازمان را می‌سازند (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۰).

در آسیب‌های ساختاری، تشکیلات سازمانی و برنامه‌های آموزشی به‌طور جدی مورد هدف قرار می‌گیرد. بروز آسیب‌های ساختاری به صورت‌های مختلفی تعریف شده است، از جمله:

◀ ظهور رکود یا کاهش عملکرد سازمان به علت تغییر کیفی و کمی جایگاه و تشکیلات نهادی سازمان در محیط بیرونی.

◀ فروپاشی و ضعف نهادی سازمان بعد از یک دوره موفقیت.

◀ کاهش قطعی و قابل‌ملاحظه در منابع سازمان در یک دوره زمانی معین (مشبکی، ۱۳۷۵)

¹ Weisbord

² Human Recourse Development

³ Harrison

۲- آسیب‌های کارکردی

از دیدگاه سیچ و ایتزن^۱ «کارکرد» بر آن است که نهادهای مختلفی در جامعه با یکدیگر کار کنند تا یک سیستم اجتماعی کل را حفظ نمایند. در اینجا تمرکز روی پیوستگی، کار با یکدیگر و ثبات قدم در برخورد با دشواری‌ها است (Sage & Eitzen, 2016: 135). در جامعه‌شناسی، «کارکرد» به نتایج و آثار عینی پدیده‌ها یا شرح وظایف و مأموریت ساخت‌های سازمانی اطلاق می‌شود. منظور این است که هر سازمان و تشکیلاتی مأموریتی معین بر عهده دارد که به نحوی در دوام و اداره جامعه مؤثر است. این نوع از آسیب‌ها کارکرد یک ساختار را مورد خدشه و ضعف قرار می‌دهد. آسیب‌های کارکردی در اثر عدم کنترل آسیب‌های ساختاری شکل می‌گیرد. در یک سازمان چنانچه مأموریت آن شناسایی نشود کارکردها با آسیب مواجه می‌گردند. بنابراین می‌توان گفت در این نوع از آسیب‌ها یا عملیات ضعیف شده یا اهداف مبهم می‌باشد. به‌طور کلی آسیب‌های کارکردی به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شوند: (توسلی، ۱۳۸۶: ۹۹)

◀ کارکرد مناسب: هرگاه نتایج یک پدیده برای کل سازمان و تشکیلات مفید باشد و به تداوم و تثبیت آن کمک کند.

◀ کارکرد نامناسب: هرگاه آثار و نتایج یک پدیده تأثیر منفی داشته و به نحوی سبب تضعیف و تزلزل نظام و سیستم شود، به آن کارکرد نامناسب می‌گویند.

◀ کارکرد آشکار: چنانچه یک پدیده دقیقاً همان نتایجی را به بار آورد که موردنظر بوده است، به آن کارکرد آشکار می‌گویند. مثلاً اگر مجازات شدید قاچاقچیان مواد مخدر، موجب تقلیل قاچاق و کاهش عده معتادان شود، یعنی نتایج حاصله مطابق نظر قانون‌گذاران باشد، می‌گویند کارکرد مبارزه با مواد مخدر «آشکار» است.

◀ کارکرد نهانی یا ضمنی: چنانچه در اجرای یک سلسله اصلاحات، نتایج دیگری بروز کند، به آن کارکرد نهانی یا ضمنی می‌گویند. مثلاً اگر مبارزه با مواد مخدر سبب پیدایی شبکه جدیدی از قاچاقچیان یا معتادان شود با نوعی کارکرد نهانی یا ضمنی مواجه خواهیم شد.

۳- آسیب‌های رفتاری

منظور از شاخه محتوایی یا رفتار سازمان، انسان و روابط انسانی در سازمان می‌باشند که به سازمان محیط بوده و سیستم‌های اصلی یا ابرسیستم‌های سازمان را تشکیل می‌دهند (Sage & Eitzen, 2016: 135). در واقع آسیب رفتاری به هویت، منش، شخصیت، بینش و نگرش فرد و یا هر واحد ارگانیکی مربوط می‌شود این آسیب ممکن است در ذات یک ساختار نیز وجود

¹ Sage & Eitzen

داشته باشد. در این نوع آسیب، یا شخصیت شکل نگرفته و یا اینکه هویت ابهام دارد (عصاریان نژاد و صنیعی، ۱۳۸۶).

دنیانی ترین آسیب در هر ساختاری، آسیب رفتاری است. واکنش های رفتاری در دو حوزه صورت می پذیرند:

◀ حوزه اول مخالفت تعدادی از کارکنان با شرایط جدید.

◀ حوزه دوم هماهنگ شدن و قبول شرایط جدید.

در هر دو حوزه آسیب های رفتاری قابل مشاهده است. مخالفت افراد در واکنش به وضعیت موجود منجر به کاهش بازدهی سازمانی خواهد شد و در صورت تسری آن به همه لایه های سازمانی، چالش جدی در روند دسترسی به اهداف سازمانی ایجاد خواهد گردید. تبعات حاصل از مشکلات حادث از حوزه دوم نیز کمتر از حوزه اول نخواهد بود. در حوزه دوم کارکنان به دلایل مختلف همچون عدم شناخت، عدم آموزش، عدم علاقه مندی و به خطر افتادن موقعیت شغلی، به سختی شرایط جدید را می پذیرند و همین سختی منجر به کندی حرکت سازمان و نزول بازدهی سازمانی خواهد شد. بنابراین به واسطه این که رفتار سازمانی فعالیت مبتنی بر سیستم سازمانی جهت وصول به اهداف سازمانی است، سازمان ها برای رسیدن به این هدف و تأمین نیازهای مادی و غیرمادی اعضا به شیوه خاصی سازمان دهی و اداره می شوند. در این سازمان دهی، مدیریت ها، بخش ها و معاونت های سازمانی با توجه به اهداف، تمایلات، ارزش ها، هنجارها و ایدئولوژی های سازمانی، خود از عوامل رفتار محسوب می شوند. این قسمت ها که کارگزاران رفتار هستند از رفتارهای سازمان حمایت و یا با آن مخالفت می کنند. این رفتارها که قوام دهنده و نظام بخش کارکردها و ساختارهای سازمانی است، چنانچه تحت کنترل مدیران عالی قرار گیرد، رونق سازمانی فراهم خواهد شد و برعکس اگر از کنترل خارج شود و یا توجه لازم به شرایط حادث شده از رفتارها نگردد آسیب های رفتاری با نفوذ در ساختارها، سازمان را به سمت فقهقرائی سوق می دهند (مرادی، ۱۳۹۲).

۴- آسیب های فراساختاری

اصلی ترین کار عامل فراساختاری یا محیطی تنظیم روابط سازمان با سیستم های بالاتر از خود است. چون هر سیستم یا سازمانی در جایگاه خاص خودش همواره با سیستم های بالاتر از خودش درکنش و واکنش دائمی است و نسبت به سیستم های بالاتر سیستم فرعی محسوب می شود. بنابراین، همه علل و عواملی که موجبات برقراری، تنظیم و واکنش به موقع و مناسب سازمان نسبت به سیستم های اصلی تر را فراهم می آورند، محیط نامیده می شوند. بنابراین، آسیب های

فراساختاری یا محیطی آسیب‌هایی هستند که رابطه و تعامل مناسب و درست و یا به عبارت سیستمی، واکنش به‌موقع و درست سازمان را با سیستم‌های هم‌جوار محیطی‌اش برهم زده و در این روابط ایجاد بحران می‌نمایند (میرزایی‌اهرنجانی، ۱۳۸۱: ۸۵). آسیب فراساختاری آسیبی است که ناشی از ضعف و ناکارآمدی در برخورد و تعامل ساختار موردبررسی با دیگر محیط‌های خارجی (بین‌المللی، رقابتی و...) ایجاد می‌شود. آسیب فراساختاری یک مجموعه، زمانی شکل می‌گیرد که با مجموعه دیگری که هر دو در حال رقابت هستند بخواهد کار کند، لذا اگر نتواند رقابت کند آسیب‌های آن مجموعه و ساختار شکل گرفته و بارز شده و ضربه می‌خورد، لذا گفته می‌شود در آسیب فراساختاری یا هماهنگی نیست و یا تعامل و شناخت محیط وجود ندارد. آسیب‌های فراساختاری تحت تأثیر محیط و شرایط حاکم بر آن بر سازمان اثر می‌گذارند. چنانچه سازمان و ساختار آن، توان برقراری ارتباط و تعامل منطقی و هماهنگی اثربخش با محیط ایجاد نکند، سازمان در هر سه حوزه رفتاری، ساختاری و کارکردی با آسیب جدی مواجه می‌شود. بنابراین می‌توان گفت آسیب‌های فراساختاری در اثر برخورد با محیط بیرونی پدید می‌آید و زمانی به اوج می‌رسد که احساس رقابتی بین سازمان و محیط ایجاد شود. در این حالت چنانچه سازمان توان مقابله با محیط را نداشته باشد و یا پذیرش از محیط برای سازمان ایجاد نشود اصطلاحاً سازمان با آسیب‌های فراساختاری مواجه می‌شود (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۳: ۵۰).

۵- آسیب‌های شناختی

کنترل آسیب‌های سازمانی، به شناخت آن‌ها و به تعبیر علمی آن برطرف شدن آسیب‌های شناختی نیز بستگی دارد (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۲۰). بنابراین آسیب‌های سازمانی قابل‌درمان و پیشگیری‌اند و پیشگیری آن‌ها در هر جامعه و سازمانی موقوف به شناخت علمی ویژگی‌ها و قانونمندی‌های حاکم بر تحول آسیب‌ها در سازمان و به‌کارگیری یافته‌های علمی در فرایند برنامه‌ریزی‌های سازمانی است. این امر یکی از چالش‌های اساسی است که اغلب سازمان‌ها با آن روبه‌رو هستند و میزان موفقیت هر سازمانی در پیشگیری و کنترل آسیب، معرف میزان شناخت آن‌ها از آسیب و کارایی آن سازمان نیز محسوب می‌گردد. آسیب‌های شناختی بخشی از اساسی‌ترین آسیب‌هایی است که در ناکارآمدی پاسخ به سؤال چرایی فعالیت ظهور می‌کند و از این‌رو بنیانی‌ترین آسیب‌ها است. اگر از چرایی و چیستی یک ساختار، شناخت وجود نداشته باشد، آن ساختار به دلایل فلسفی و شناختی در معرض شکست قرار خواهد گرفت. آسیب شناختی به شناسایی ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های فکری و بینشی یک سازمان کمک می‌نماید و می‌گوید هر چیزی که فلسفه عمل، هویت و قابلیت ذاتی، مقبولیت و معنای وجودی عناصر اصلی

سازمان یا تشکیلات را دچار ضعف و خدشه کند، هویت وجودی و فلسفه فعالیت آن را نقض و مورد تردید قرار می‌دهد.

بررسی تحولات «شناختی»^۱ به‌عنوان عامل مهم در شکل‌گیری «هویت»^۲ مستلزم در نظر گرفتن پایه‌های تشکیل هویت یعنی «احساس از خود»^۳ در قالب خودشناسی - خودیابی، خودسازی و خودباوری است. نظر به بحث‌های مکرر در خودشناسی و خودباوری که اصالت آن در سازمان‌های هویتی، باید این نکته را مورد توجه قرار داد که هر نوع کمبود، اختلال یا نارسایی در شکل‌گیری شخصیت سازمان‌ها و نهادها در دوره «معنایابی» در حوزه و فعالیت آنان، اثر آنی بر تحول «شناختی» آنان و اثری غالب خواهد داشت زیرا «احساس خود»، بخشی شناختی و قسمتی هم عاطفی می‌باشد (اکبرزاده، ۱۳۷۶). شکل‌گیری هویت و شخصیت هر فرد به‌عنوان توانایی تلفیق و انسجام عقاید گذشته فرد و تجارب حال و انتظاری که نسبت به آینده از خود دارد، مستلزم رسیدن به سطح تفکر انتزاعی می‌باشد. مشخصه دیگر تفکر انتزاعی، تفکر بر اساس عملیات ترکیبی است، یعنی کل سازمان‌یافته از تمام ترکیب‌های ممکن. به‌عنوان مثال آزمایش محلول‌های شیمیایی در چهار بطری و روش منظمی که افراد برای ترکیب‌های احتمالی به کار می‌برد نمونه این موضوع است. همچنین او قادر است یک نظام ترکیبی از متغیرها، عقاید یا قضایا بسازد. از مشخصات دیگر تفکر انتزاعی، جدا شدن شکل و محتوا می‌باشد. این موضوع شامل یک نبوغ «میان‌واگرایی» است که فقط فرد بالغ می‌تواند آن را انجام دهد. رسیدن به قوانین از ترکیب ارتباطات مشخصه دیگر تفکر انتزاعی می‌باشد. از مشخصات اساسی تفکر انتزاعی درک تغییرات چهارگانه «عمل همسان»، «عمل نفی» و «عمل متقابل» و «عمل همبسته» است که شامل درک دو نوع «بازگشت‌پذیری» است. مثال آن ترازوی کوچک یا اهرم و گذاشتن وزنه‌ها می‌باشد. ورود افراد به سازمان کار و به‌عبارت‌دیگر جریان تعامل نیروی اجتماعی و انتخاب هویت سازنده می‌تواند به پیشرفت تحول شناختی وی کمک کند. در این نوع از آسیب شما از صدماتی که می‌بینید هیچ دردی احساس نمی‌کنید. به تیم دشمن ملحق می‌شوید و حتی از ترکش‌هایی که به شما اصابت می‌کند ممکن است ابراز رضایت کنید، چراکه افکار شما دیگر دست خودتان نیست. درواقع این آسیب‌ها ادراک را از افراد می‌گیرند و آن‌ها را دست‌آویز خود برای رسیدن به هدف می‌کنند، بدون اینکه خود وارد میدان شوند. بنابراین جامعه از تبعات آن در رنج است اما همچنان با توجه

1 Cognitive

2 Identity

3 Selfsentiment

به اینکه در حال مدیریت شدن از سوی دشمن است خود را از درون از بین می‌برد (عصاریان‌نژاد و صنیعی، ۱۳۸۶).

بررسی شرایط محیط ایران در دوران جنگ جهانی دوم

در سال ۱۳۰۰ رضاخان به‌عنوان عامل مسلطی در صحنه بومی ایران ظاهر شد و استقلال عمل و قدرت نهادها و بخش‌های سیاسی جامعه را محدود کرد. وی به ارتش و نیروهای نظامی متکی بود و در کودتای ۱۲۹۹ قدرت را به دست گرفته بود. بنابراین در این حکومت، از ابتدا بنیان قدرت سیاسی بر دستگاه ارتش استوار شد و ارتش به‌عنوان ابرازی برای کسب و حفظ قدرت مورد استفاده قرار گرفت (قاسمی، ۱۳۸۷: ۲۴۱). معمولاً تصویری که از نقش ارتش وجود دارد این است که هدف از تأسیس آن مقابله با دشمن خارجی است، اما این در مورد ارتش شاهنشاهی ایران صادق نبود، زیرا در طول عمر این حکومت، ایران نه قصد مقابله با دشمنان خارجی را داشت و نه توانایی چنین کاری را. مهم‌ترین وظیفه ارتش در این دوره، از میان بردن هر نوع قدرت خودمختار و تعمیم و گسترش اقتدار دولت مرکزی در سراسر کشور بود (کرونین، ۱۳۸۳: ۹۶). با توجه به چنین کارکرد و وظیفه‌ای بود که از ابتدای آغاز به کار ارتش، نیروهای نظامی بیشتر در راستای برقراری ثبات و امنیت و مقابله و سرکوب عوامل داخلی تهدیدکننده قدرت مرکزی به کار گرفته شدند و طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، در حدود ۲۰ رزم داخلی اجرا کردند (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۳۲۱). بنابراین با توجه به پندار عمومی و غالباً صحیح از ارتش به‌عنوان ابزار وحشیانه حفظ یک رژیم استبدادی، طرفداری مردمی از ارتش وجود نداشت (لطفیان، ۱۳۸۰: ۳۴). در زمان پادشاه پهلوی ساخت ارتش نوین ایران، ساختی پاتریمونیا^۱ بود (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۷۶). در این ساخت نظامیان قدرت زیادی داشتند اما قدرت پادشاه و تسلط او بر ارتش، مانع استقلال عمل ارتش حتی در امور حرفه‌ای و تخصص نظامی و کسب قدرت سیاسی بود (قاسمی، ۱۳۸۷: ۲۴۷). ارتش شاهنشاهی از نظر ترکیب نیروها، یافت و ترکیب نامتجانسی داشت (کرونین، ۱۳۸۳: ۲۰۵). نیروهای تشکیل‌دهنده ارتش از طبقات و اقشار مختلف جامعه بودند. لذا انگیزه، هدف، اعتقادات و منافع مشترکی میان آن‌ها وجود نداشت. این وضعیت موجب شد ارتش به خاستگاهی برای نیروهای مدعی هدایت و رهبری جامعه تبدیل نشود (وودهاوس، ۱۳۶۸: ۳۸). برقراری ثبات، امنیت و رهایی از هرج و مرج ناشی از ضعف دولت مرکزی از اهداف ملی ارتش نوین رضاخان

^۱ حکومت پدیرمیرائی (پاتریمونیا) گونه‌ای از حکومت است که در آن رژیم، دست طبقه‌های بالا و متوسط را از قدرت کوتاه می‌کند و رهبر می‌تواند اراضی و کسب و کار افراد را بدون هشدار قبلی از آنان بگیرد. ارتش کشورهای پدیرمیراث به رهبر وفاداری دارند و نه به کشور.

به حساب می‌آمد، اما تحت فرمان رضاشاه، تحقق این اهداف به گونه‌ای تعریف شد که هرگونه مخالفت با حکومت و شخص شاه را نیز در برمی‌گرفت. تشکیل ارتش هم‌شکل توسط رضاشاه اهدافی داشت که مطابق با اهداف روی کار آمدن وی در ایران بود؛ مقابله با نیروهای مخالف، ایجاد نیروی متمرکز برای مقابله با نیروهای پراکنده در سراسر کشور و تلاش در جهت ایجاد دولت مرکزی و قدرتمند به منظور مقابله با حرکت‌های محلی، این اهداف با توجه به شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای با اهداف و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ زمان به‌ویژه انگلستان هماهنگ بود. سیاست انگلستان در این دوره ایجاد دولتی مقتدر و قوی در ایران بود که بتواند از نفوذ کمونیسم در ایران، افغانستان، عراق و هند جلوگیری کند (مهردوی، ۱۳۹۳: ۲۵). بنابراین ایجاد دولت مرکزی قدرتمند و حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران با هدف مقابله با گسترش نفوذ کمونیسم از جمله اهداف قدرت‌های بزرگ در حمایت از شکل‌گیری ارتش ایران بود. در چنین وضعیتی ایجاد ارتش یکپارچه و متحدالشکل در ایران، هم از سوی نیروهای سیاسی داخلی ایران حمایت می‌شد و هم با محیط بین‌المللی هماهنگ و سازگار بود (قاسمی، ۱۳۸۷: ۲۵۰). پارسونز سفیر انگلیس در ایران در این باره می‌نویسد: «وقتی رضاخان به قدرت رسید تصمیم گرفت ارتش منظمی تشکیل دهد که هدف آن در درجه نخست، تعمیم قدرت دولت مرکزی در سراسر کشور و سپس حراست از مرزهای ایران در برابر تهاجم خارجی بود ... ارتش با اینکه در استقرار امنیت داخلی در ایران و تثبیت حکومت مرکزی با موفقیت کامل روبرو شد، در زمینه دفاع از کشور در برابر تهاجم خارجی موفقیت‌آمیز نبود (پارسونز، ۱۳۷۲: ۳۰۰). سیستم ارتش ایران از ابتدا به گونه‌ای بنا شد که هر نیروی نظامی اطاعت و فرمان‌بری از مافوق را بدون تفکر به آن وظیفه خود بداند. از این جهت ارتش که به صورت سلسله‌مراتب به شاه وصل می‌شد و تحت فرمان شاه قرار داشت، بر اساس اصل وفاداری و فرمان‌بری، دستورات خود را از شاه می‌گرفت و تنها بر اساس آن عمل می‌کرد (لطفیان، ۱۳۸۰: ۳۴). ارتش شاهنشاهی ایران با تمام انضباط حاکم بر آن، از انسجام و همبستگی درونی برخوردار نبود. عدم انسجام و همبستگی درونی ارتش از یکسو از ترکیب ناسازگار نیروهای نظامی و از سوی دیگر از ضعف پیوندهای درونی و ارتباطی که بین قسمت‌های مختلف ارتش برقرار شده بود، ناشی می‌شد. این ترکیب ناسازگار و این ضعف پیوندهای درونی باعث می‌شد ارتش از همبستگی و انسجام درونی لازم برخوردار نباشد (قاسمی، ۱۳۸۷: ۲۶۱) چگونگی ارتباط و پیوند بخش‌های مختلف ارتش نیز به گونه‌ای بود که به خودی خود مانع ایجاد مجموعه‌ای منسجم می‌گردید (همان: ۲۶۸). سیاست مذهب‌زدایی از جامعه در دوران پهلوی موجب شد لایه‌های نزدیک به دربار در ارتش رنگ و بوی لائیک به خود بگیرند (همان: ۲۶۶).

جنگ جهانی دوم و اوضاع سیاسی، امنیتی- نظامی، اجتماعی و اقتصادی ایران

در آستانه جنگ جهانی دوم، سالیانی طولانی بود که به دلیل استقرار دیکتاتوری خشن نظامی، دستاوردهای سیاسی و اجتماعی انقلاب مشروطه تقریباً سراسر نادیده گرفته شده و فضایی رعب‌انگیز و دهشت‌آفرین در عرصه کشور حاکم شده و نهادهای به یادگار مانده از مشروطیت (در درجه اول، دولت و مجلس) عملاً خود به ابزارهایی کارساز برای پیشبرد علایق عمدتاً غیرقانونی و شبه قانونی حکومت تنزل جایگاه داده شده بودند. میان علایق، رفتار و اقدامات حکومت با خواست‌های ملت در جنبه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فرسنگ‌ها فاصله افتاده بود. تا جایی که به نظر می‌رسید نوعی از خودبیگانگی عمومی، در جامعه گسترش یافته است. در چنین شرایطی بود که وقتی، به‌رغم آن‌همه سرمایه‌گذاری‌هایی که سال‌ها برای تقویت ارتش و قوای نظامی صورت گرفته بود، کشور به‌سرعت توسط متفقین متجاوز اشغال گردید، اکثریت مردم کشور در حالتی از بی‌عملی، تحمیلی، بهت و حیرانی غم‌بار ناشی از پیشینه و تبعات سوء دیکتاتوری فزاینده داخلی و فاجعه تصرف کشور توسط بیگانگان سیر می‌کردند. در آستانه جنگ جهانی دوم و حتی طی یکی‌دوماهه منتهی به اشغال ایران که نشانه‌های آشکارتری از احتمال تجاوز نظامی متفقین به ایران وجود داشت، تقریباً می‌شود گفت هیچ‌گونه استراتژی یا حتی تاکتیک مشخص و قابل اتکایی برای مواجه ارتش با حملات احتمالی خارجی پیش‌بینی نشده بود. تا جایی که وقتی متفقین در سحرگاه روز سوم شهریور ۱۳۲۰ به ایران حمله کردند اکثر واحدهای نظامی کشور در بخش‌های مختلف در بی‌اطلاعی تمام و کمالی سیر کرده و در نوعی استیصال و بی‌سروسامانی به سر می‌بردند؛ فرماندهان ارشد نظامی عملاً غافلگیر شده و ناتوان از اتخاذ هرگونه آرایش تدافعی شدند. حتی خود رضاشاه هم به‌رغم سابقه طولای نظامی‌گری‌اش که گمان می‌رفت سیطره کاملی بر مجموعه ارتش دارد، در برابر حمله متفقین به ایران غافلگیر شد و تقریباً می‌شود گفت قادر نشد برای مقابله با متجاوزان کمترین ابتکار عملی از خود نشان بدهد. به همین دلیل هم بود که از همان استعداد و توان بالفعل و موجود در ارتش نیز برای مقابله آبرومندانه با خصم متجاوز استفاده مطلوب و مناسبی صورت نگرفت. در آستانه حمله متفقین به ایران در جنگ جهانی دوم، نقش و جایگاه مردم کشور در دفاع از منافع ملی و مقابله با بحران‌های سیاسی و امنیتی تهدیدکننده کشور سخت کاهش داده شده بود و رابطه حاکمیت با جامعه ایرانی شکننده‌تر از آنی شده بود که امیدی به شکل‌گیری مقاومت‌های ملی- مردمی در برابر متجاوزان خارجی وجود داشته باشد. از همه این‌ها گذشته، واقعیت تلخ‌تر این بود که به دلیل سیاست‌ها و اقدامات بس سرکوبگرانه، بی‌رحمانه و غیرانسانی حکومت رضاشاه (در سطوح و شئون گوناگون) با افشار مختلف مردم کشور و فساد مالی، اداری و امنیتی زائدالوصفی

که سر تا ذیل حاکمیت را در خود فروبرده بود، بخش‌های زیادی از مردم کشور، به‌رغم میل باطنی، حمله متفقین به ایران را به‌مثابه فرصتی مغتنم برای رهایی از دیکتاتوری سیاه و بی‌سابقه رضاشاه ارزیابی می‌کردند و مصیبت جانکاه اشغال کشور را بر تدوam حکومت تبه‌کار رضاشاه ترجیح می‌دادند؛ این موضوع چنان عمومیت داشت که در بسیاری از مناطق کشور، مردم ره‌اشده از ستم‌کاری ۱۶ ساله، به میمنت سقوط رضاشاه شادمانی‌ها کردند! (الهی، ۱۳۶۹: ۷۵-۶۸).

آسیب‌های استخراج‌شده از مطالعات تاریخی

با بررسی و تجزیه و تحلیل کیفی مبانی نظری پژوهش، اهم آسیب‌های دفاعی ایران در خلال جنگ جهانی دوم که موجب عدم مقاومت و شکست نیروهای مسلح ایران در برابر نیروهای متفقین گشت را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

۱) عدم وجود قاطعیت در تصمیم‌گیری و سردرگمی و تردید شخص اول مملکت برای برخورد با متفقین و نیروهای بیگانه که به ایران حمله کرده بودند، نبود وزیر در وزارت جنگ (در دولت صرفاً شخصی به‌عنوان کفیل و سرپرست برای این وزارتخانه وجود داشت)، آشفتگی و ضعف در مدیریت دفاعی کشور و ضعف و نبود دیپلماسی دفاعی - سیاسی مناسب در کشور.

۲) ضعف، وادادگی و ناتوانی ارتش در برابر دو ابرقدرت‌های وقت (اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا).

۳) غافلگیری رضا شاه و دولت وقت از هجوم متفقین به ایران و نبود راهبرد و تاکتیک مشخص و قابل اتکا برای مواجهه و دفع هجوم خارجی.

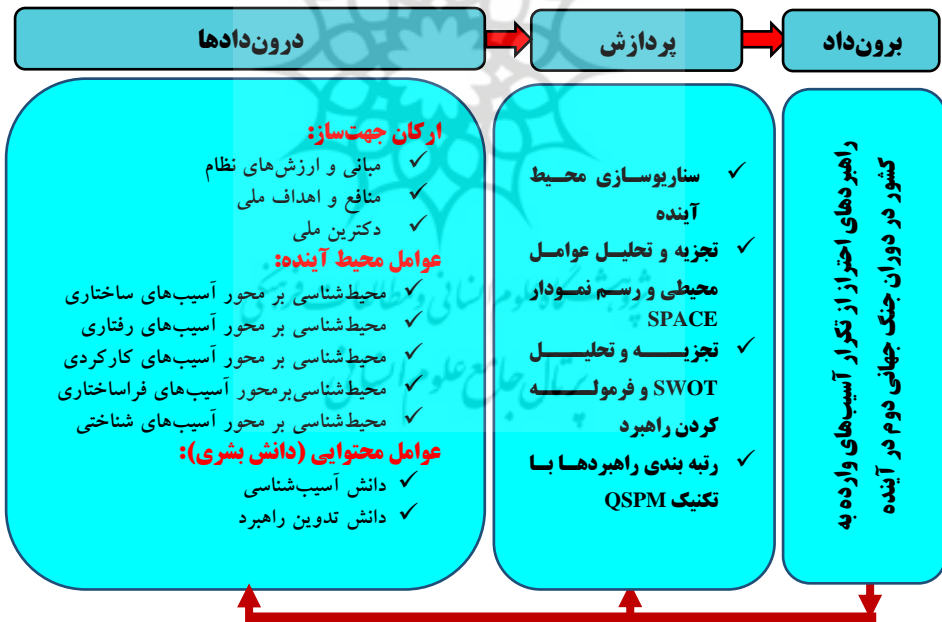
۴) عدم مقاومت و مقابله خودجوش مردمی و کاهش نقش و جایگاه مردم کشور در دفاع از منافع ملی و بحران‌های سیاسی و امنیتی تهدیدکننده کشور به دلیل تضعیف، سرکوب و کوچ اجباری عشایر ایران از مرزها توسط حکومت و عدم مقاومت خودجوش و محلی آن‌ها در برابر مهاجمین، همچنین اعمال سیاست مذهب‌زدائی (لایه‌های نزدیک به دربار در ارتش رنگ و بوی لائیک به خود گرفته بود) و وجود دیکتاتوری خشن نظامی و گسترش خود بیگانگی و فضای رعب، وحشت و ناامیدی در جامعه (فضایی رعب‌انگیز و دهشت‌آفرین در عرصه کشورحاکم بود به دلیل سیاست‌ها و اقدامات بس سرکوبگرانه، بی‌رحمانه و غیرانسانی حکومت رضاشاه در سطوح و شئون گوناگون با ا فشار مختلف مردم کشور و فساد مالی، اداری و امنیتی زائدالوصفی که سر تا ذیل حاکمیت را در خود فروبرده بود امید به شکل‌گیری مقاومت‌های ملی - مردمی در برابر متجاوزان خارجی وجود نداشت).

۵) عدم آمادگی ارتش برای مقابله با دشمن خارجی به دلیل ضعف در آموزش هماهنگ و یکپارچه افسران (به دلیل عدم وجود مراکز آموزشی در ایران و اعزام آن‌ها به کشورهای اروپایی مختلف و متفاوت از نظر آموزش)، حرفه‌ای نبودن و عدم استقلال عمل تخصصی در انجام مأموریت، عدم یکپارچگی و عدم انسجام سازمانی و ترکیب نامناسب، ضعف در وفاداری، انگیزش، اعتقادات، منافع و اهداف مشترک و روحیه کارکنان و اینکه ارتشی تربیت شده برای حفظ امنیت و یکپارچگی داخلی (با توجه به ترکیب اجتماعی، سیاسی، قومی و زبانی ایران) و مقابله با شورش‌های داخلی تربیت شده بود تا برای دفاع از هجوم خارجی.

۶) عدم وجود نخبگان سیاسی مناسب در رأس نظام سیاسی و دولت به دلیل انتصابات غلط و با گرایش‌ها خاص (انتصاب یکی از رجال وابسته به آلمان (دکتر متین دفتری) به ریاست دولت بعد از اعلام بی‌طرفی ایران در جنگ).

مدل مفهومی تحقیق

مدل سیستمی زیر برای تدوین راهبرهای احتراز از تکرار آسیب‌های وارده به کشور در فرآیند جنگ جهانی دوم انتخاب شده است.



شکل (۱) مدل مفهومی تحقیق

پیشینه‌های پژوهش

در بررسی پیشینه تحقیقی که به آسیب‌شناسی دفاعی ایران در این جنگ و ارائه راهبردهایی برای عدم تکرار آن پرداخته باشد مشاهده نشد که در ادامه به برخی از تحقیقات مرتبط آن‌ها و نتایج اخذشده اشاره می‌شود:

ابراهیم متقی و سیده لیلا موسوی تحقیقی در خصوص علل کارآمدی نسبی سیاست خارجی ایران در جنگ جهانی دوم انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که نشانه کارآمدی نسبی سیاست خارجی ایران در دوران جنگ جهانی دوم را می‌توان مربوط به شرایطی دانست که هیچ‌گونه خللی در حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران ایجاد نشد (متقی و موسوی، ۱۳۹۴). حسین آبادیان در تحقیقی به نقش آمریکا و اهمیت نظامی ایران در جنگ جهانی دوم پرداخته و پس از بررسی زمینه‌ها و اسناد فاش شده به این نتیجه می‌رسد که؛ ایران به دلیل داشتن موقعیت جغرافیای سیاسی کانون نبرد قدرت‌های جهانی برای تسلط بر منطقه بوده و حتی اگر ایران با آلمان ارتباط اقتصادی گسترده نداشت دیر یا زود از سوی قدرت‌های بزرگ جهانی تهدید می‌شد (آبادیان، ۱۳۹۰).

مریم شیپری و حسین میرزایی‌چاه‌باغ در تحقیقی بر روابط خارجی و مسائل داخلی ایران در جنگ جهانی دوم بر پایه گزارش‌های سر ریدر بولارد تحلیلی داشته‌اند و نتیجه گرفته که؛ به دلیل آگاه بودن انگلستان از نقش و جایگاه ایران در سطح خاورمیانه، سیاست‌مداری زبده و کارکشته همچون سر ریدر بولارد را برای ایران برمی‌گزیند تا جزئی‌ترین مسائل داخلی و خارجی ایران و هر حادثه‌ای که کوچک‌ترین ارتباطی با انگلیس داشت یا در آینده می‌تواند داشته باشد را برای مسئولان بالادست خود بفرستد و حتی راه‌کارهایی را نیز به دولت انگلیس پیشنهاد دهد (شیپری و میرزایی، ۱۳۹۳).

محمدرضا حافظ‌نیا در پژوهشی به نقش ژئواستراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم پرداخته و نتیجه می‌گیرد که؛ به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران در ارتباط با صحنه عملیات جنگ، قدرت-های درگیر جنگ را به رقابت شدیدی برای کنترل و اعمال نفوذ در ایران وادار می‌کرد و از دید آن‌ها کنترل ایران از سوی هر یک از طرف‌های درگیر می‌توانست در تغییر موازنه استراتژیک سهم بسزایی داشته باشد و مطمئناً می‌توان گفت که تصرف ایران و کاربری آن در استراتژی نظامی متفقین سهم بزرگی در پیروزی آنان داشته است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰).

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق کاربردی- توسعه‌ای با روش توصیفی-تحلیلی و موردی-زمینه‌ای با رویکرد ترکیبی انجام و با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، پرسشنامه و تعامل فکری با خبرگان حوزه

دفاعی داده‌های لازم جمع‌آوری گردیده است. برای شناخت آسیب‌ها از روش تحلیل کیفی با دسته‌بندی، پردازش و قضاوت داده‌های ارائه شده در مبنای نظری استفاده شده و برای تدوین راهبرد با بکارگیری ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی و رسم نمودار¹ SPACE و تکنیک‌های² SWOT و³ QSPM استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش از بین استادان دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا و دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی با مدرک دکتری که در حوزه مسائل تاریخ نظامی صاحب‌نظر بوده و دروس تجزیه و تحلیل جنگ‌های اخیر و تاریخ نظامی را تدریس می‌نمایند انتخاب شده است و با بررسی‌های به‌عمل آمده تعداد آن‌ها حدود ۴۰ نفر برآورد که به صورت تمام شمار انتخاب شدند. سؤالات پرسش‌نامه بر مبنای ادبیات تحقیق تدوین و با استفاده از نظر خبرگان پرسش‌نامه اصلاح و اعتبار (روایی) مطلوبی دارد و برای سنجش پایایی، سؤالات آزمون در دو نوبت و تحت شرایط مشابه به یک گروه واحد داده شد و نمرات حاصل باهم مقایسه گردید که نزدیکی نمرات این دو گروه نشان داد، سؤال‌ها پایایی بالایی دارند.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

عوامل داخلی و خارجی بر اساس نظر نمونه آماری با ماتریس‌های یادشده در روش شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفت که نتایج حاصله شامل نقاط ضعف، قوت و فرصت به شرح جداول زیر می‌باشد و تهدیدی هم جامعه تشخیص داده نشد.

جدول (۱) ارزیابی عوامل داخلی (ضعف‌ها)

ردیف	گویه (عامل داخلی)	میانگین امتیاز	میانگین وزن	وزن نرمالیزه	امتیاز موزون
۱	بروز نبودن ساختار سازمانی بخش دفاعی	۲/۴۸	۴/۴۷۵	۰/۲۳۳	۰/۵۷۶
۲	مناسب نبودن استخدام و بکارگیری نیروهای بخش دفاعی	۲/۴۸	۳/۹۷۵	۰/۲۰۷	۰/۵۱۲
۳	وجود مشکلات و پیچیدگی رویه‌های اداری بخش دفاعی	۲/۲۵	۳/۳۵	۰/۱۷۴	۰/۳۹۰
۴	محدود بودن قدرت و اختیارات کارکنان بخش دفاعی	۲/۳۸	۳/۳۵	۰/۱۷۴	۰/۴۱۴
۵	اجتناب نکردن ن.م. از ورود به حوزه‌های غیرمرتبط	۲/۳۵	۴/۰۷۵	۰/۲۱۲	۰/۴۹۸
	میانگین	۲/۳۹			
	جمع		۱۹/۲۲۵	۱/۰۰	۲/۳۹

¹ Strategic Position & Action Evaluation

² Threats, Strengths, Weaknesses and Opportunities

³ Quantitative Strategic Planning Matrix

جدول (۲) ارزیابی عوامل داخلی (قوت‌ها)

ردیف	گویه (عامل داخلی)	میانگین امتیاز	میانگین وزن	وزن نرمالیزه	امتیاز موزون
۱	پویا و کارآ بودن سازمان‌های دفاعی	۲/۹۰	۴/۴۵	۰/۰۳۵	۰/۱۰۲
۲	مناسب و بروز بودن فناوری سازمانهای دفاعی (ادوات و تجهیزات)	۲/۸۸	۴/۳۵	۰/۰۳۴	۰/۰۹۸
۳	پیوند مناسب بین اجزاء سازمان‌های دفاعی	۲/۶۸	۴/۰۷۵	۰/۰۳۲	۰/۰۸۶
۴	مشارکت کارکنان بخش دفاع در امور و تصمیم‌گیری	۲/۵۸	۳/۶۷۵	۰/۰۲۹	۰/۰۷۵
۵	توانایی بخش دفاعی در حفظ نظم و استفاده از قابلیت‌ها در حل مشکلات و مسائل	۲/۹۵	۴/۱۰	۰/۰۳۲	۰/۰۹۴
۶	حجم و تناسب نیروی انسانی بخش دفاعی	۲/۷۳	۳/۹۲۵	۰/۰۳۱	۰/۰۸۵
۷	شفافیت اهداف دفاعی	۲/۹۵	۴/۳۵	۰/۰۳۴	۰/۱۰۰
۸	سطح خوب یادگیری فردی و سازمانی در بخش دفاعی	۲/۸۳	۴/۰۷۵	۰/۰۳۲	۰/۰۹۱
۹	توجه داشتن به طرح ریزی و برنامه ریزی دفاعی	۳/۱۰	۴/۰۷۵	۰/۰۳۲	۰/۰۹۹
۱۰	اشرافیت و توانمندی سازمانهای دفاعی در بهبود بخشی ساختارها	۲/۷۳	۳/۸۷۵	۰/۰۳۱	۰/۰۸۵
۱۱	ثبات و دوام در ساختارهای دفاعی	۲/۹۳	۴/۰۵	۰/۰۳۲	۰/۰۹۴
۱۲	عملکرد خوب سازمانهای دفاعی (تناسب بین هزینه و محصول)	۲/۸۰	۴/۲۲۵	۰/۰۳۳	۰/۰۹۳
۱۳	عملکرد خوب فرماندهان و مدیران بخش دفاعی	۲/۹۳	۴/۳۵	۰/۰۳۴	۰/۱۰۰
۱۴	دستیابی خوب به اهداف و انتظارات	۲/۸۰	۴/۱۲۵	۰/۰۳۳	۰/۰۹۰
۱۵	همرسانایی فعاليتها با اهداف و انتظارات	۲/۸۰	۴/۲۵	۰/۰۳۴	۰/۰۹۵
۱۶	اثر بخشی خوب راهبردها و برنامه‌های دفاعی	۳/۰۸	۴/۳۲۵	۰/۰۳۴	۰/۱۰۷
۱۷	قانونمندی و قانونگرایی حاکم در بخش دفاعی	۲/۹۵	۴/۲۵	۰/۰۳۴	۰/۱۰۰
۱۸	رضایتمندی از عملکرد کارکنان بخش دفاعی	۲/۸۸	۳/۹۵	۰/۰۳۱	۰/۰۸۹
۱۹	نحوه خوب تصمیم‌گیری فرماندهان و مدیران بخش دفاعی	۲/۹۰	۴/۳۵	۰/۰۳۴	۰/۱۰۰
۲۰	سطح خوب بکارگیری دانش بشری در بخش دفاعی	۲/۷۵	۴/۴۲۵	۰/۰۳۵	۰/۰۹۶
۲۱	توانمندی و اشرافیت خوب بخش دفاعی در اطلاعات محیطی	۲/۹۰	۴/۲۵	۰/۰۳۴	۰/۰۹۹
۲۲	توانمندی خوب بخش دفاعی در برقراری ارتباط با محیط	۲/۷۰	۴/۱۲۵	۰/۰۳۳	۰/۰۸۹
۲۳	همسو بودن رویه‌های محیط‌شناسی با قوانین، مقررات	۲/۷۵	۳/۴۵	۰/۰۲۷	۰/۰۷۴
۲۴	همسو بودن رویه‌های محیط‌شناسی با دانش بشری	۲/۷۰	۳/۵۷۵	۰/۰۲۸	۰/۰۷۶
۲۵	وجود اعتماد و همکاری دورن سازمانی در تعامل با محیط	۲/۷۳	۳/۷۰	۰/۰۲۹	۰/۰۷۹
۲۶	شفافیت و روشنی در هویت، رسالت و مأموریت بخش دفاعی	۳/۱۳	۴/۲۰	۰/۰۳۳	۰/۱۰۳
۲۷	شفافیت در چرایی بخش دفاعی	۲/۸۸	۳/۸۵	۰/۰۳۰	۰/۰۸۶

رتبه	گروه (عامل داخلی)	میانگین امتیاز	میانگین وزن	وزن نرمالیزه	امتیاز موزون
۲۸	شفافیت در چگونگی و عملکرد بخش دفاعی و قابلیت های آن	۲/۸۰	۳/۹۰	۰/۰۳۱	۰/۰۸۷
۲۹	آگاهی از حساسیت‌های محیط داخلی پراکندگی و تنوع قومی و قبیله‌ای کشور	۲/۸۳	۳/۸۵	۰/۰۳۱	۰/۰۸۸
۳۰	بصیرت و آگاهی در شناخت محیط خارج	۲/۹۰	۴/۱۰	۰/۰۳۲	۰/۰۹۳
۳۱	بصیرت در جلوگیری از مبارزه تبلیغاتی دیگر کشورها در محیط ایران	۳/۳۳	۴/۰۵	۰/۰۳۲	۰/۱۰۷
	میانگین	۲/۸۶			
	جمع		۱۲۶/۳	۱/۰۰	۲/۸۶

جدول (۳) ارزیابی عوامل خارجی (فرصت‌ها)

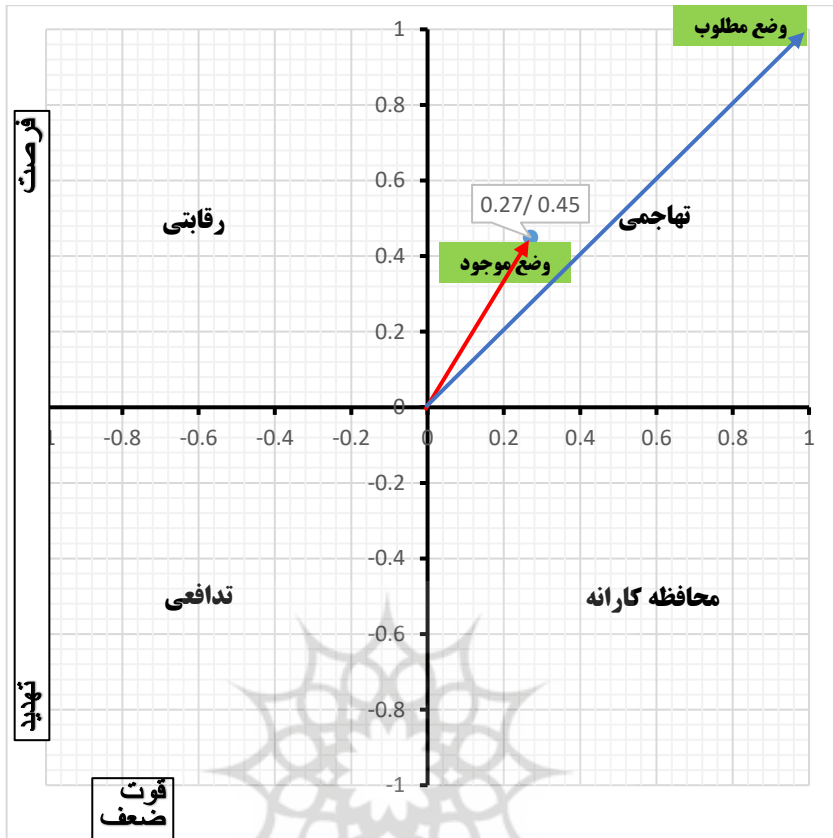
رتبه	گروه (عامل داخلی)	میانگین امتیاز	میانگین وزن	وزن نرمالیزه	امتیاز موزون
۱	مناسب بودن اختیار و قدرت قانونی تصمیم‌گیری فرماندهان و مدیران بخش دفاعی	۲/۸۸	۳/۷۷۵	۰/۰۴۴	۰/۱۲۶
۲	رضایت بخش بودن بودجه دفاعی	۲/۶۳	۴/۳۰	۰/۰۵۰	۰/۱۳۱
۳	نقش و جایگاه مؤثر مردم کشور در دفاع از منافع ملی	۳/۳۵	۴/۵۲۵	۰/۰۵۳	۰/۱۷۷
۴	نقش و موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی کشور در اقدامات دفاعی	۳/۶۳	۴/۶۵	۰/۰۵۴	۰/۱۹۶
۵	برخورداری کشور از دیپلماسی دفاعی کارآمد	۲/۸۸	۴/۲۰	۰/۰۴۹	۰/۱۴۱
۶	مقبولیت بالای بخش دفاعی در جامعه و کشور	۳/۰۸	۴/۴۷۵	۰/۰۵۲	۰/۱۶۰
۷	وجود ارتباط سازنده و بدون وابستگی با قدرت‌های بزرگ جهان	۲/۸۵	۳/۷۷۵	۰/۰۴۴	۰/۱۲۵
۸	وجود ارتباط مؤثر و اثر بخش برای امنیت منطقه‌ای با کشورهای همسایه	۲/۹۳	۳/۶۵	۰/۰۴۳	۰/۱۲۶
۹	وجود همکاری سیاسی و دفاعی سازنده با کشورها دوست و همسو	۳/۲۵	۳/۸۷۵	۰/۰۴۵	۰/۱۴۶
۱۰	سطح مناسب همکاری‌ها تعاملات آموزشی و کسب علم از دیگر کشورها با رعایت ملاحظات امنیتی	۲/۷۸	۳/۶۷۵	۰/۰۴۳	۰/۱۱۹
۱۱	سطح خیلی خوب دستیابی به دانش روز بشری در بخش دفاعی	۳/۱۵	۴/۴۲۵	۰/۰۵۲	۰/۱۶۳
۱۲	سطح خوب استفاده از الگوهای آموزشی و تسلیحاتی سازمان-های نظامی و دفاعی غیر متکی به بیگانه	۳/۰۵	۳/۷۱۸	۰/۰۴۳	۰/۱۳۱

ردیف	گویه (عامل داخلی)	میانگین امتیاز	میانگین وزن	وزن نرمالیزه	امتیاز موزون
۱۳	اجتناب از دخالت نیروهای نظامی دیگر کشورها در کشور	۳/۰۸	۴/۰۷۹	۰/۰۴۸	۰/۱۴۷
۱۴	اجتناب از نفوذ قدرت‌های خارجی و مستشاران خارجی در بدنه نیروهای نظامی	۲/۸۷	۴/۱۵	۰/۰۴۹	۰/۱۴۰
۱۵	هم افزایی و همسوئی خوب سیاست مداران با نظامیان	۲/۶۸	۴/۳۰۸	۰/۰۵۰	۰/۱۳۴
۱۶	برخورداري امنیت مناسب در برابر جنگ روانی دشمن	۲/۵۸	۴/۱۰۵	۰/۰۴۸	۰/۱۲۳
۱۷	استقلال و عدم وابستگی سیاسی - دفاعی حکومت به قدرت- های خارجی	۳/۲۸	۴/۱۷۵	۰/۰۴۹	۰/۱۶۰
۱۸	سطح خوب همکاری با سازمانهای بین المللی حامی امنیت جهانی	۲/۶۴	۳/۸۹۷	۰/۰۴۶	۰/۱۲۱
۱۹	وجود فرصتهای پیوستن به مراکز و سازمانهای اطلاعاتی و تحقیقاتی بین‌المللی در شناخت بهینه محیط خارج	۲/۶۵	۳/۷۰	۰/۰۴۳	۰/۱۱۴
۲۰	وجود فرصتهای محیطی جلوگیری از مبارزه تبلیغاتی دیگر کشورها در محیط ایران	۲/۷۳	۳/۸۲۱	۰/۰۴۵	۰/۱۲۳
۲۱	سطح خوب نفوذ در سازمانهای اطلاعاتی دشمن	۳/۰۵	۴/۳۰۸	۰/۰۵۰	۰/۱۵۲
	میانگین	۲/۹۵			
	جمع		۸۵/۵۹	۱/۰۰	۲/۹۵

از ۵۷ عاملی که از مبانی نظری پژوهش استخراج گردید و از طریق پرسش‌نامه در اختیار جامعه آماری قرار گرفت؛ تعداد ۵ عامل ضعف، ۳۱ عامل قوت و ۲۱ عامل فرصت در شرایط فعلی تشخیص داده شد. جامعه آماری از عوامل به پرسش گذاشته شده موردی را به عنوان تهدید تشخیص نداد.

تعیین موقعیت و تحلیل شکاف راهبردی

جهت تعیین موقعیت راهبردی بر روی محور مختصات و تقلیل شکاف راهبردی، با استفاده از مقادیر ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی و کسر امتیاز موزون ضعف‌ها از امتیاز موزون قوت‌ها و همچنین کسر امتیاز موزون تهدیدات از امتیاز موزون فرصت‌ها، مختصات موقعیت فعلی بر روی محور مختصات راهبردی محاسبه و استخراج که نتایج آن به شرح نمودار زیر می‌باشد:



شکل (۲) نمودار محور مختصات راهبردی

نمودار نشان می‌دهد موقعیت وضع موجود در ناحیه اول مختصات راهبردی و در نزدیکی مرکز ناحیه تهاجمی قرار دارد همچنین زاویه نقطه مطلوب (ایده‌آل) در قسمت بالای ناحیه تهاجمی قرار دارد.

تدوین راهبرد

در این مرحله با استفاده از جدول SWOT نسبت به فرموله کردن راهبردهای SO, ST, WO, WT اقدام شده است که برای نمونه جدول راهبردهای WO در زیر آمده است:

جدول (۴) راهبردهای WO

ضعف‌ها (W)	هدف:
<p>۱. بروز نبودن ساختار سازمانی بخش دفاعی</p> <p>۲. مناسب نبودن استخدام و بکارگیری نیروهای بخش دفاعی</p> <p>۳. وجود مشکلات و پیچیدگی رویه‌های اداری بخش دفاعی</p> <p>۴. محدود بودن قدرت و اختیارات کارکنان بخش دفاعی</p> <p>۵. اجتناب نکردن ن.م. از ورود به حوزه‌های غیرمرتبط</p>	<p>۱. عدم تکرار آسیب‌های تاریخی دوران جنگ جهانی دوم شناسایی شده به شرح متن مقاله</p>
راهبردهای (WO) رویکرد رقابتی، تدابیر یا گزینه‌های راهبردی استفاده از مزیت‌هایی که در فرصت‌ها نهفته است برای جبران نقاط ضعف	فرصت‌ها (O)
<p>۱. W101,7- توسعه هر چه بیشتر همکاری‌های دفاعی و نظامی بین‌المللی به منظور به‌روز نمودن ساختارهای دفاعی و آمادگی بیشتر برای دفاع از کشور با استفاده از اختیارات و قدرت قانونی فرماندهان و مدیران و ارتباط سازنده و بدون وابستگی موجود با قدرت‌های بزرگ جهان،</p> <p>۲. W206- بازنگری در نظام مدیریت منابع انسانی نیروهای مسلح در جهت متناسب‌سازی استخدام و بکارگیری نیروی انسانی و افزایش توانمندی‌های حرفه‌ای کارکنان بخش دفاعی با تکیه بر مقبولیت بالای بخش دفاعی در جامعه و کشور</p> <p>۳. W3010,21- اصلاح و بهینه‌سازی رویه‌ها و فرآیندهای اداری موجود در بخش دفاعی در جهت کاهش مشکلات و پیچیدگی رویه‌های مذکور و سهولت در انجام امور با استفاده از همکاری و تعاملات آموزشی و علمی با دیگر کشورها با رعایت ملاحظات امنیتی و همچنین استفاده از توان نفوذ اطلاعاتی و بدست آوردن اطلاعات روز در این زمینه از رقبا،</p> <p>۴. W4011,12- تفویض اختیارات عمودی گزینشی در سلسله مراتب دفاعی بمنظور افزایش اختیارات کارکنان بخش دفاعی و بکارگیری خلاقیت‌های آنان در انجام مأموریتها با استفاده از دانش روز بشری</p>	<p>۱. مناسب بودن اختیار و قدرت قانونی تصمیم‌گیری فرماندهان و مدیران بخش دفاعی</p> <p>۲. رضایت بخش بودن بودجه دفاعی</p> <p>۳. نقش و جایگاه مؤثر مردم کشور در دفاع از منافع ملی</p> <p>۴. نقش و موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی کشور در اقدامات دفاعی</p> <p>۵. برخورداری کشور از دیپلماسی دفاعی کارآمد</p> <p>۶. مقبولیت بالای بخش دفاعی در جامعه و کشور</p> <p>۷. وجود ارتباط سازنده و بدون وابستگی با قدرت‌های بزرگ جهان</p> <p>۸. وجود ارتباط مؤثر و اثر بخش برای امنیت منطقه‌ای با کشورهای همسایه</p> <p>۹. وجود همکاری سیاسی و دفاعی سازنده با کشورها دوست و همسو</p> <p>۱۰. سطح مناسب همکاری‌ها تعاملات آموزشی و کسب علم از دیگر کشورها با رعایت ملاحظات امنیتی</p> <p>۱۱. سطح خیلی خوب دستیابی به دانش روز بشری در بخش دفاعی</p> <p>۱۲. سطح خوب استفاده از الگوهای آموزشی و تسلیحاتی سازمان‌های نظامی و دفاعی غیر متکی به بیگانه</p> <p>۱۳. اجتناب از دخالت نیروهای نظامی دیگر کشورها در کشور</p> <p>۱۴. اجتناب از نفوذ قدرت‌های خارجی و مستشاران خارجی در بدنه نیروهای نظامی</p> <p>۱۵. هم افزایی و همسوئی خوب سیاست مداران با نظامیان</p> <p>۱۶. برخورداری امنیت مناسب در برابر جنگ روانی دشمن</p> <p>۱۷. استقلال و عدم وابستگی سیاسی - دفاعی حکومت به قدرت‌های خارجی</p>

<p>۱۸. موجود در بخش دفاعی و الگوهای آموزشی موجود در سازمانهای نظامی</p> <p>۱۹. W502,3,15- وضع قوانین و مقررات بازدارنده انجام فعالیت‌های غیرمرتبط با مأموریت اصلی ن.م. و کم کردن انگیزه‌های انجام آن به منظور اجتناب نیروهای مسلح از ورود به حوزه‌های غیر مرتبط و توسعه فعالیت‌های حرفه‌ای کارکنان از طریق افزایش میزان بودجه دفاعی و تکیه بر حملات‌های مردمی و همکاری و همسویی سیاستمداران با بخش دفاعی.</p>	<p>۱۸. سطح خوب همکاری با سازمان‌های بین‌المللی حامی امنیت جهانی</p> <p>۱۹. وجود فرصت‌های پیوستن به مراکز و سازمان‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی بین‌المللی در شناخت بهینه محیط خارج</p> <p>۲۰. وجود فرصت‌های محیطی جلوگیری از مبارزه تبلیغاتی دیگر کشورها در محیط ایران</p> <p>۲۱. سطح خوب نفوذ در سازمان‌های اطلاعاتی دشمن</p>
---	---

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف: نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق بیانگر آن است که به دلیل شرایط مطلوب دفاعی و ژئواستراتژیکی و نیز وجود توان مطلوب بازدارندگی در ج.ا.ایران، تهدیدهایی شبیه آنچه‌که در خلال جنگ جهانی دوم برای ایران وجود داشت و آسیب‌های زیادی را متوجه کشور کرد توسط جامعه آماری احصاء نشده و فقط پنج مورد به‌عنوان ضعف تشخیص داده شد که آن‌هم در مقایسه با ۳۱ مورد قوت و ۲۱ مورد فرصت موجود قابل توجه نیست.

بر اساس تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی از فرموله کردن راهبردها با تکنیک SWOT پیشرفته، تعداد بیست راهبرد SO و پنج راهبرد WO احصاء شد که در نهایت با ترکیب آن‌ها، راهبردهای ترکیبی زیر برای جلوگیری از تکرار آسیب‌های مورد بحث در آینده استخراج گردید و براساس اولییتی که برای آن‌ها از نتیجه تکنیک QSPM حاصل شد به ترتیب ارائه می‌شوند:

۱- توسعه هر چه بیشتر راهبرد دفاع همه‌جانبه مبتنی بر مقاومت و مقابله خودجوش مردمی در کنار نیروهای مسلح و بست نقش و جایگاه مردم کشور در دفاع از منافع ملی در بحران‌های سیاسی و امنیتی و تهدیدات خارجی و اجتناب هر چه بیشتر از هر نوع وابستگی سیاسی - دفاعی به قدرت‌های خارجی با تکیه بر مقبولیت بالای بخش دفاعی در جامعه و کشور، سطح بالای دانش دفاعی و توانمندی و بصیرت بخش دفاعی و اشرافیت نسبت به اطلاعات محیطی به‌منظور غافلگیر نشدن و اقتدار دفاعی لازم در مقابل قدرت‌های جهانی.

۲- گسترش فعالیت‌های به‌روزرسانی ساختارهای دفاعی با استفاده از پویایی، کارایی و توانمندی سازمان‌های دفاعی در بهبودبخشی ساختارها، دانش روز بشری و اختیارات و قدرت قانونی مناسب فرماندهان و مدیران نیروهای مسلح به‌منظور انسجام و همبستگی هر چه بیشتر درونی نیروهای مسلح و جلوگیری از آشفتگی‌های احتمالی مدیریت دفاعی در شرایط بحرانی و جنگ.

۳- توسعه ثبات و دوام ساختارهای دفاعی از طریق تقویت ایمان، انگیزه‌ها و اهداف و منافع مشترک بین کاکنان و سازمان، افزایش بصیرت و آگاهی کارکنان بخش دفاعی در شناخت و تحلیل محیط، استفاده از توان نفوذ اطلاعاتی و کسب اطلاعات از رقبا و جلوگیری و اجتناب از دخالت نیروهای نظامی بیگانه در امورات نظامی و دفاعی کشور به‌منظور بالا بردن سطح مقاومت و ایستادگی نیروهای دفاعی و پیشی گرفتن در جلوگیری از مبارزه تبلیغاتی دیگر کشورها در محیط ایران و از خودبیگانگی.

۴- توسعه فناوری‌های دفاعی با رعایت نظریه معمای دفاع با تکیه بر پویا و کارآ بودن سازمان‌های دفاعی، یادگیری فردی و سازمانی موجود در بخش دفاعی، دانش روز بشری، مناسبات و همکاری‌های بدون وابستگی با قدرت‌های پیشرفته جهانی، نظم سازمان‌های نظامی و پیوند مناسب بین اجزاء سازمان‌های دفاعی به‌منظور پیشی گرفتن از رقبا و دشمنان در فناوری‌های دفاعی.

۵- متناسب‌سازی بودجه دفاعی با نیازهای دفاعی و تخصیص آن با رعایت اولویت‌های تعریف شده و هدایت هر چه بیشتر کارکنان بخش دفاعی به حرفه‌آموزی با وضع قوانین و مقررات منع‌کننده ورود بخش‌های دفاعی و نظامی به حوزه‌های غیرمرتبط با تکیه بر قوت‌ها و فرصت‌های موجود شامل: شفافیت مأموریت‌ها و اهداف دفاعی، شفافیت عملکردها، قانونمندی و قانونگرایی حاکم بر نیروهای مسلح، توجه داشتن به طرح ریزی و برنامه‌ریزی‌های دفاعی، حمایت مردمی از بخش دفاعی، همسوئی و همکاری سیاست‌مداران با نظامیان به منظور هر چه بیشتر تخصصی و حرفه‌ای نمودن و داشتن استقلال لازم نیروهای مسلح برای دفاع از کشور.

۶- توسعه هر چه بیشتر همکاری‌های دفاعی و نظامی بین‌المللی متناسب با اهداف و انتظارات با استفاده از اختیارات و قدرت قانونی فرماندهان و مدیران و از طریق ارتباط سازنده و بدون وابستگی‌ای که با برخی قدرت‌های بزرگ جهانی وجود دارد و با تعامل و همکاری مؤثر و اثربخش آموزشی، علمی و رزمایش‌ها با دیگر کشورها با رعایت کامل ملاحظات امنیتی به‌منظور به‌روز نگه داشتن ساختارهای دفاعی و آمادگی بیشتر برای دفاع از کشور و افزایش مهارت کارکنان و بالا بردن سطح آموزشی و عملیاتی بخش دفاعی.

۷- توسعه و کارآمد نمودن هر چه بیشتر دیپلماسی دفاعی کشور با تکیه بر هم‌افزایی و همسوئی موجود بین سیاست‌مداران و نظامیان، وجود فرصت‌های پیوستن به مراکز و سازمان‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی بین‌المللی، شناخت بهینه محیط خارج، سطح خوب همکاری با سازمان‌های بین‌المللی حامی امنیت جهانی، همکاری سیاسی و دفاعی سازنده و خوب با کشورها دوست و همسو، وجود ارتباط مؤثر و اثر بخش برای امنیت منطقه‌ای با کشورهای همسایه، نقش و موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی کشور و نحوه خوب تصمیم‌گیری فرماندهان و مدیران بخش دفاعی و پیوند مناسبی

که بین اجزاء سازمان‌های دفاعی وجود دارد به منظور پیشی گرفتن بر دشمنان و رقیبان در عرصه تصمیم‌گیری برای امنیت جهانی و منطقه‌ای و اثبات هر چه بیشتر توانمندی‌های کشور و هویت، رسالت و نقش بخش دفاعی در امنیت ملی، منطقه‌ای و جهانی.

۸- اصلاح و بهینه سازی رویه‌ها و فرآیندهای اداری موجود در بخش دفاعی با استفاده از سطح خوب یادگیرندگی فردی و سازمانی جاری، مشارکت دادن بیشتر کارکنان در امور و تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد خوب آنان و اعتماد و همکاری دورن سازمانی موجود در تعاملات و با تکیه بر دانش بشری در دسترس و تعاملات آموزشی و علمی تعریف شده با دیگر کشورها و دستیابی به اطلاعات رقبا در این باره با نفوذ اطلاعاتی بمنظور کاهش مشکلات و پیچیدگی رویه‌های اداری و حل مسائل و مشکلات بخش دفاعی، سهولت در انجام امور و پیشی گرفتن در دستیابی هر چه بیشتر به اهداف و انتظارات.

۹- بازنگری در نظام مدیریت منابع انسانی نیروهای مسلح با تکیه بر مقبولیت بالای بخش دفاعی در جامعه و کشور و نقش و جایگاه مردم در دفاع از منافع ملی، اعتماد و همکاری دورن سازمانی در تعاملات و دانش روز بشری در دسترس به منظور متناسب‌سازی استخدام و بکارگیری نیروی انسانی و افزایش توانمندی‌های حرفه‌ای کارکنان بخش دفاعی

۱۰- توسعه اختیارات رده‌های سازمانی با تفویض اختیارات عمودی گزینشی در سلسله‌مراتب دفاعی با استفاده از دانش روز بشری موجود در بخش دفاعی و الگوهای آموزشی موجود در سازمان‌های نظامی به منظور افزایش اختیارات کارکنان بخش دفاعی و به‌کارگیری خلاقیت‌های آنان در انجام مأموریت‌ها و بهبود هر چه بیشتر عملکرد سازمان‌های دفاعی و نیروهای مسلح و بالا بردن ضریب تصمیم‌گیری فرماندهان و مدیران بخش دفاعی.

ب: پیشنهاد

۱) پیشنهاد برای کارگزاران بخش دفاعی کشور:

الف) به‌کارگیری راهبردهای پیشنهادی این مقاله در تقویت و توسعه بخش دفاعی کشور در جهت عدم تکرار آسیب‌های دوران جنگ جهانی دوم در آینده.

ب) برگزاری همایش‌های تخصصی برای آسیب‌شناسی و شناخت عمیق‌تر آسیب‌های مورد بحث دوران جنگ دوم و دیگر بحران‌های سیاسی کشور.

ج) بازنگری در دکترین، سیاست‌ها، و راهبردهای دفاعی با نگاه به نتایج این مقاله.

د) تلاش بیشتر برای درک مشترک مسائل دفاعی بین نظامیان و نخبگان سیاسی کشور.

ه) برنامه‌ریزی مشخص عملیاتی برای هر یک از راهبردهای پیشنهادی و اجرای آن‌ها.

۲) پیشنهاد برای پژوهشگران و مراکز تحقیقاتی:

- الف) پژوهش برای تبیین و عدم تکرار آسیب‌های سیاسی ایران در جنگ جهانی دوم.
 ب) پژوهش برای تبیین و عدم تکرار آسیب‌های اقتصادی ایران در جنگ جهانی دوم.
 ج) پژوهش برای تبیین و عدم تکرار آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی ایران در جنگ جهانی دوم.

قدردانی

از خبرگان، اندیشمندان و صاحب‌نظرانی که در خلال انجام پژوهش، دانش و تجربیات ارزشمند خویش را سخاوتمندانه در اختیار محققان این پژوهش قرار دادند و باعث غنا بخشیدن هر چه بیشتر به این پژوهش شدند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

منابع

- آبادیان، حسین. (۱۳۹۰). آمریکا و اهمیت نظامی ایران در جنگ جهانی دوم. نشریه تاریخ روابط خارجی. ۱۲ (۴۷)، ۳۰-۱.
- اداره پنجم ستاد مشترک ارتش. (۱۳۷۸). افول سازمانی. فصلنامه خبری و آموزشی فرماندهی و ستاد. ۲ (۵)، ۴۱-۲۴.
- اسفندیاری، عاطفه و نکویی مقدم، محمود و محمدی، زینب و نوروزی، سمانه و امیراسماعیلی، محمدرضا. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی منابع انسانی در ستاد دانشگاه علوم پزشکی کرمان با استفاده از مدل سه‌شاخگی. فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده بهداشت یزد. ۱۰ (۴ و ۳)، ۱۲-۱.
- افضلی، رسول. (۱۳۸۶). جنگ جهانی دوم. نشریه دانشنامه جهان اسلام. ۱۱ (۱۱)، صص ۱۱۰-۱۰۰.
- اکبرزاده، نسرین. (۱۳۷۵). تحول شناختی و مسئله شکل‌گیری هویت. مجله علمی-پژوهشی روانشناسی. ۱ (۳)، ۲۳۱-۲۲۴.
- الهی، همایون. (۱۳۶۹). اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- پارسونز، سرآنتونی. (۱۳۷۲). غرور و سقوط. ترجمه محمود طلوعی، تهران: انتشارات علم.
- توحیدی، ارسطو. (۱۳۸۹). نشریه آموزشی طرح‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی دفاعی. تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع ملی.
- توکلی‌دارستانی، شقایق. و شهبازمرادی، سعید. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی مدیریت منابع انسانی با هدف بهبود و توسعه. فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی. ۲ (۴)، ۹۴-۱۱۰.

- جنیدی جعفری، مهدی و بیگی نیا، عبدالرضا. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی منابع انسانی با هدف بهبود و توسعه (مورد مطالعه: بانک ملت)، پنجمین کنفرانس ملی منابع انسانی. تهران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و مؤسسه مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۰). نقش ژئواستراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم. فصلنامه روابط خارجی. ۲ (۹)، ۶۱-۷۲.
- دانش آشتیانی، محمدباقر. (۱۳۹۱). مدیریت راهبردی دفاعی-امنیتی، تهران: انتشارات مرکز آموزشی پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.
- راعی‌گلوجه، سجاد. (۱۳۹۱). بررسی مداخله انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران در جریان جنگ جهانی دوم. فصلنامه تاریخ اسلام و ایران. ۲۲ (۱۶)، ۳۳-۵۵.
- زهدی، یعقوب. (۱۳۹۴). سیاست دفاعی، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجاری، الهه. (۱۳۷۷). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگه.
- شیپری، مریم. و میرزایی چاه‌باغ، حسین. (۱۳۹۳). تحلیلی بر روابط خارجی و مسائل داخلی ایران در جنگ جهانی دوم بر پایه گزارش‌های سر ریدر بولارد. فصلنامه تاریخ روابط خارجی. ۱۵ (۶۱)، ۹۵-۱۳۱.
- عبدالهی، محمد. (۱۳۸۱). اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: نشر انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- عساریان‌نژاد، حسین. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی استراتژی‌های امنیتی، تهران: سلسله درس‌های دانشگاه فارابی.
- عساریان‌نژاد، حسین. و صنیعی، حسین. (۱۳۸۶). مدیریت آسیب و کارآمدی دفاعی در نیروهای مسلح. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک. ۸ (۳۰)، ۸۷-۱۲۹.
- کرونین، استفانی. (۱۳۸۳). رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در زمان رضاشاه، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات جامی.
- لطفیان، سعیده. (۱۳۸۰). ارتش و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مقی، ابراهیم. و موسوی، سیده‌لیلا. (۱۳۹۴). علل کارآمدی نسبی سیاست خارجی ایران در جنگ جهانی دوم. فصلنامه سیاست. ۴۵ (۳)، ۷۸۱-۷۹۹.
- مرادی، محمدحسن. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی جو سازمانی نیروی انتظامی با استفاده از مدل شش بعدی وایزبرد. فصلنامه توسعه سازمانی پلیس. ۱۰ (۴۵)، ۴۱-۶۲.
- مشبکی، اصغر. (۱۳۷۵). نقش شورای عالی اداری کشور در بالندگی سازمان‌های اداری. فصلنامه کنترلر آجا. ۱ (۲)، ۲۴-۴۷.
- ممی زاده، جعفر. (۱۳۷۵). دانش بهسازی و نوسازی، تهران: انتشارات روایت.

- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ. (۱۳۹۳). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰. چاپ دهم، تهران: نشر پیکان.
- میرزایی اهرنجانی، حسن. (۱۳۸۱). طرح تفصیلی گسترش افقی نو در شناخت سازمان‌های عمومی و دولتی ایران (آب منطقه‌ای غرب)، تهران: مرکز پژوهش‌های کاربردی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- مینتزیبرگ، هنری. (۱۳۶۷). مدیریت استراتژیک، ترجمه محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- وودهاوس، سی.ام. (۱۳۶۸). اسرار کودتای ۲۸ مرداد، ترجمه نظام‌الدین دریابندری، چاپ دوم، تهران: انتشارات راهنما.
- هانری، میشل. (۱۳۷۰). جنگ جهانی دوم، ترجمه عباس آگاهی، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- یکرنگیان، میرحسین. (۱۳۸۴). سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰، تهران: انتشارات خجسته.
- Birkland, Thomas. (2001). *An Introduction to the Policy Process; Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making*, New York, M. E. Sharpe.
- Harrison MI. (2005). *Diagnosing organizations: Methods, Model, and Process*, Applied Social Research_ Methods series; 3rd ed, v8, California: SAGE publication.
- Sage, G. H., & Eitzen, D. S. (2016). *Sociology of North American sport*, 10th ed. New York, NY: Oxford.
- <https://www.dataak.com/blog/>
- <http://www.karshenasan.blogfa.com/post/2404>